خبر

انتقاد عضو شورای شهر از ساخت مسجد ولیعصر در پارک دانشجو

● **فارس:** عضو کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای شهر تهران از فرایند ساخت مسجد ولیعصر(عج) در پارک دانشجو انتقاد کرد.

مجتبی شاکری در حاشیه بازدید از پروژه مسجد ولیعصر(عج) واقع در پارک دانشجو، با اشاره به اینکه برای ساخت این پروژه ۳۰ میلیارد تومان برآورده هزینه شده است، اظهار کرد: اجرای این پروژه در دوره‌های قبلی شورای شهر صورت گرفته بود و تصویری که از این پروژه وجود دارد، نشان‌دهنده این است که فرایند، فرایند درستی نبوده است. وی با تأکید بر اینکه برای اجرای هر پروژه باید پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی تهیه شود، گفت: قبل از هر گونه اقدام و نظری، باید این پیوست‌ها بررسی و مطابق آن بودجه تخصیص داده شود. شاکری اضافه کرد: در حال حاضر در بودجه‌ریزی پروژه‌های شورای شهر پیوست‌های فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی را از شهرداری می‌خواهیم، قطعا در پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی خود سازه مطرح بوده است. عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران ادامه داد: با اطلاعی که بنده دارم در ابتدا طرح آقای نقره‌کار برای این پروژه مطرح بوده و

آقای نقره‌کار قطب معماری ایرانی - اسلامی در دانشگاه علم و صنعت هستند و مورد تأیید بودند و مساجد متعددی توسط وی ساخته شده است و بعدا تغییری که پیدا کرد، مجددا این تغییر باید به تأیید شورای شهر می‌رسید و درنهایت شورا این تغییر را تأیید می‌کرد.

وی ادامه داد: مسجد باید نشانه‌های معماری‌های ایرانی- اسلامی را دارا باشد و وقتی بنده به این پروژه وارد شدم و مکاتبات گذشته این پروژه را بررسی کردم به این موضوع رسیدم که این کار باید متوقف شود، چراکه از نشانه‌های مسجدسازی‌مان همین انسی است که مردم با فضای مسجد دارند. عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران گفت: وقتی وارد این مسجد می‌شویم با یک سازه خشن و عمودی روبه‌رو می‌شویم که هیچ نشانه‌ای از مسجد ندارد و به‌نظر می‌رسد این فرایند، فرایند درستی نبوده و ما نباید تن به این دهیم که چنین پروژه و بنایی که نشانه‌ای از معماری ایرانی - اسلامی ندارد را مبنا قرار داد و پذیرفت و به همین دلیل دستور توقف دادیم و طراح جدید این پروژه مخالفت می‌کرد. وی اضافه کرد: قرار شده است این سازه به‌گونه‌ای طراحی شود که همراه با گنبد و مناره به بهره‌برداری برسد و ما می‌توانیم از گنبدهای سبک در این پروژه استفاده کنیم.

عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران تصریح کرد: بنای ما بر این است که این پروژه بدون گنبد و مناره به بهره‌برداری نرسد تا طراحی جدید آماده و درنهایت به شورا ارسال شود. شاکری خاطرنشان کرد: طبق صحبت‌های مطرح‌شده از سوی مجریان طرح و اجرای طرح جدید، حدود ۵۰ میلیارد تومان برای ساخت این مسجد هزینه خواهد شد که هزینه قابل‌توجهی است.

ناصر فکوهی در گفت‌وگو با «شرق»

نوکیسه‌ها، خطر جدی آینده ایران

امین یگانه

برای اینکه در یک جامعه کنش‌های سیاسی جدی ایجاد شود و رشد یابد، نیازمند بستر مناسب برای توسعه این کنش‌ها هستیم. این بستر شامل مطبوعات و فعالیت آزادانه احزاب و توسعه و تعمیق نهادهای مدنی است. به نظر می‌رسد مردم کشور ما بیشتر از اینکه واجد کنش‌های سیاسی باشند، سیاست‌زده‌اند و هر امری در ایران بلافاصله به موضوعی سیاسی بدل می‌شود. درباره نقش سیاست در جامعه فعلی و خطرات این سیاست‌زدگی با دکتر ناصر فکوهی، مدیر گروه انسان‌شناسی و فرهنگ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گفت‌وگو کرده‌ایم:

بعد از ماجرای فوت مرتضی پاشایی، بحثی میان دانشگاهیان درباره سیاست‌زدایی از جامعه ایران درگرفت. منظور از سیاست‌زدایی چیست و اصلا می‌شود از مسئله سیاست زدایی از جامعه ایرانی، به‌ویژه بعد از رخدادهای تاریخی معاصر، صحبت کرد یا خیر؟

معنای «سیاست‌زدایی» از جامعه ایران به‌نظر من تا حد زیادی گنگ است. جامعه ایران در سال‌های پس از انقلاب و حتی پیش‌ازآن، بیشتر «سیاست‌زده» بوده تا «سیاست‌زداشده»؛ بنابراین فکر می‌کنم نیاز به تدقیق مفاهیم داریم. اگر منظور از سیاست‌زدایی، علاقه‌مندنبودن و مشارکت‌نکردن مردم در مسائل سیاسی است که فکر نمی‌کنم اصلا چنین باشد. مشارکت در امور سیاسی، ازجمله انتخابات نسبتا بالاست و از آن بیشتر دخالت مردم از طرق مختلف، از روزنامه‌ها و کامنت‌ها گرفته تا صحبت‌های کوچه و خیابان، درباره مسائل سیاسی روز است. اگر برعکس، منظور از سیاست‌زدایی آن است که تصدی‌گری دولت کاهش یابد، همان‌گونه که خواهم گفت این امر بسیار ضرورت دارد. درباره مردم و رواج امر سیاسی در گفته‌های آنها، اینکه این گفته‌ها کیفیت بالایی دارند یا نه بحث دیگری است، اما اینکه درحال‌حاضر مردم ما بیشتر مسائل و رخدادهای سیاسی را در زندگی‌شان مهم می‌دانند تا مسائل اجتماعی را، به‌نظرم گزاره صحیح‌تری باشد و اصولا در کشورهای درحال‌توسعه، نگاهی بسیار مبالغه‌آمیز به سیستم سیاسی وجود دارد که گاه بیش‌ازحد امیدوار و پوپولیستی است و از این قدرت انتظار معجزه و حل یک‌باره تمام مشکلات را دارد و گاه به‌شدت رادیکال است؛ یعنی تصورش این است که با تغییر آدم‌ها یا این و آن قانون و نهاد، همه‌چیز عوض می‌شود. تجربه درازمدت کشورهایی مثل ایران نشان می‌دهد هر دو این رویکردها توهم‌آمیز هستند. سیاست، بیشتر بازتابی از موقعیت‌های اجتماعی است و با آنها رابطه‌ای چرخه‌ای دارد؛ مثلا دلیل اینکه سیاست‌های دولت درحال‌حاضر بیش‌ازحد نولیبرالی است و در کشور و بسیاری از نهادها و فرایندهای آن، پول حرف اول را می‌زند به‌دلیل آن است که مردم ما در دوره‌ای بیش از ۴۰ سال به‌شدت از روابط و روحیه کاری و صنعتی و زحمت‌کشی به‌طور عام دور شده‌اند و روحیه کاسب‌کاری و سودجویی و ثروت‌اندوزی و خودنمایی و نوکیسگی پیدا کرده‌اند و روشن است این یک دور باطل است که دولت را بیشتر در این راه پیش برده است و بازهم تأثیر بیشتری در همین جهت بر مردم خواهد گذاشت.

اما سیاست می‌تواند مفهومی مثبت نیز داشته باشد و آن دخالت و تمایل به دخالت مردم در تصمیم‌گیری درباره خود و ایده‌شان است. دراین‌صورت، سیاست صرفا به یک رفتار انتخاباتی یا گفت‌وگوهای پراکنده خلاصه نمی‌شود و نیازمند آن است که در مدارهایی پیچیده‌تر تعریف شود؛ مثلا اینکه چه روابطی حوزه سیاسی و اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد؟ چگونه باید سیاست‌گذاری‌ها در سطح کشور و در همه امور را با دموکراسی پایه و با موقعیت عمومی مردم هماهنگ کرد و به یک موقعیت نفع عمومی برای همه رسید؟ چرا باید طبقه متوسط را تقویت کرد و آن را پایه رشد اجتماعی قرار داد؟ و بسیاری مسائل دیگر، می‌تواند اصل و اساس این دخالت سیاسی مثبت باشد و شکل عملی خود را در ایجاد و فعالیت احزاب، سازمان‌های مدنی و انجمن‌های مردم‌مدار و...، بیابد. از این لحاظ، ما بسیار عقب هستیم؛ پس در یک کلام، ما سیاست‌زده هستیم، زیرا به‌شدت درباره قدرت سیاسی توهم داریم، اما به‌شدت از توان خود برای ایجاد فضای سیاسی مناسب بی‌خبریم و راه را نیز درست تشخیص نمی‌دهیم؛ مثلا تصورمان این است که انتقادهای سیاسی حتما باید رادیکال باشند تا مؤثر واقع شوند، درحالی‌که اغلب، خلاف این گزاره درست است.

آیا می‌شود گفت میزان بالای دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مثبت است؟

اگر مردم یک جامعه نسبت‌به سیاست، یعنی روش‌های اداره کشورشان، چگونگی انجام سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، بین‌المللی، داخلی و...، حساسیت داشته باشند و این امور برای‌شان اهمیت داشته باشد، به‌صورت بالقوه امری مثبت است؛ اما این بالقوه‌بودن فقط در صورتی به امری بالفعل تبدیل می‌شود که ابزارهای تبدیل این حساسیت به کارایی یا سیستم‌های اجتماعی-سیاسی نیز فراهم شود، زیرا اگر چنین نشود، نوعی انرژی منفی ناشی از احساس محرومیت در مردم ایجاد می‌شود که در میان‌مدت به ایجاد پتانسیل‌های شورشی یا انفعالی‌ای تبدیل می‌شود که هرچند به‌نظر دو موقعیت متضاد می‌آیند، اما هر دو خطرناک هستند و می‌توانند پیامد بسیار بزرگی برای یک پهنه اجتماعی-سیاسی-اقتصادی دربر داشته باشند. برای اینکه حساسیت سیاسی مردم مثبت باشد، باید احساس مؤثربودن در مناسبات سیاسی را لمس کنند؛ یعنی احساس کنند نظر آنها، شعور آنها، سلایق آنها و چشم‌اندازهای آنها جدی گرفته می‌شود. مردم ما، درحال‌حاضر با بیش از ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل و دانشجو، سرمایه فرهنگی نسبتا بالایی دارند و ازاین‌رو، باید با آنها به شیوه سالم، مسئولانه و کاملا عاقلانه سخن گفت. مردم، اغلب مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را می‌فهمند و به‌نظر من اگر کنش و رفتارهای آنها در بسیاری موارد سالم نیست، نه به‌دلیل «ندانستن»، بلکه به‌دلیل نوعی «انفعال» و «بی‌مسئولیتی» است که همان سیاست‌زدگی از یک‌سو و بی‌تفاوتی سیاسی از سوی دیگر آن را به وجود آورده‌اند.

کنش مردم ما را در قبال مناسبات سیاسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای اینکه در یک جامعه حساسیت‌ها رشد کنند و به کنش‌ها و ذهنیت‌های عقلانی سیاسی تبدیل شوند، همچون هر زمینه دیگری نیاز به تمرین و ثبات وجود دارد. این تمرین در نظام‌های سیاسی مدرن از طریق احزاب، سازمان‌های مردم‌مدار و نهادهای مدنی انجام می‌گیرد، همچنین از طریق گسترش فضاهای آزادی و رسانه‌های آزاد و باز؛ البته برای این کار باید ظرفیت وجود داشته باشد، اما این امر به‌صورت چرخه‌ای انجام می‌گیرد. باید تحمل داشت و اجازه داد مردم، ولو با برخی اشتباهات بتوانند دموکراسی و آزادی را تمرین کنند و نظرات خود را آزادانه بیان کنند. عقلانیت باید حرف اول را بزند و منافع کشور و مردم، باید با رعایت علاقه‌مندی‌های‌شان و با اعتمادکردن به آنها در رأس مسائل قرار گیرد. مردم ما، خود بهتر از هرکسی می‌توانند در شرایط متناسب و ثباتی نسبی، منافع خود را تشخیص دهند؛ اما اعتمادنکردن به مردم و تصدی‌گری دولتی، اغلب سبب شده است اعتماد به مرکز و اعتماد به خودشان کاهش یابد. این چرخه باطل باید به چرخه‌ای مثبت تبدیل شود. مردمی که تحصیل‌کرده‌اند و سرمایه فرهنگی نسبتا بالایی دارند، کتاب و روزنامه می‌خوانند، اخبار را دنبال می‌کنند و نسبت‌به وقایع اطراف و جهان حساس هستند، یعنی زمینه‌های اولیه برای کنش و ذهنیت متناسب با منافع خود و کشورشان را دارند؛ اما چیزی که سبب می‌شود اغلب آنها به‌جای عقلانی رفتارکردن به‌سوی خودنمایی، مصرف‌گرایی، تازه‌به‌دوران‌رسیدگی، توهم‌های رادیکال و انفعال و پوپولیسم و این دست مسائل بروند، ازدست‌دادن اعتماد به سیاست است که به‌دلیل تجربه منفی‌شان از سیستم‌هایی ناشی می‌شود که پی‌درپی می‌آیند و این بی‌اعتمادی را تقویت می‌کنند. وقتی هر دولت جدیدی بیشتر وقت خود را صرف به چالش کشیدن دولت قبلی می‌کند، وقتی همه‌چیز در ضعف و مشکلات این یا آن شخصیت و چهره خلاصه می‌شود و به ضعف‌های ساختاری و فرایندی توجه نمی‌شود، وقتی سیاست‌مداران ما برای آنکه به اهداف کوتاه‌مدت برسند، اصولا توجهی به عقلانیت میان‌مدت و درازمدت نمی‌کنند، روشن است که ثمره کار یا رادیکالیسمی خطرناک خواهد شد یا انفعالی کاملا آسیب‌زا.

مثلا دلیل اینکه سیاست‌های دولت درحال‌حاضر بیش‌ازحد نولیبرالی است و در کشور و بسیاری از نهادها و فرایندهای آن، پول حرف اول را می‌زند به‌دلیل آن است که مردم ما در دوره‌ای بیش از ۴۰ سال به‌شدت از روابط و روحیه کاری و صنعتی و زحمت‌کشی به‌طور عام دور شده‌اند و روحیه کاسب‌کاری و سودجویی و ثروت‌اندوزی و خودنمایی و نوکیسگی پیدا کرده‌اند

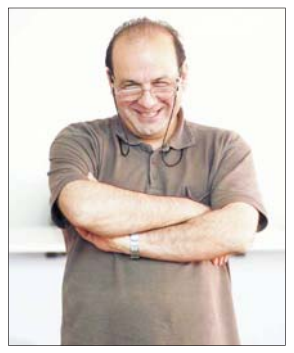

دلیل این همه حساسیت از سوی شهروندان ایرانی نسبت‌به تغییرات سیاسی چیست؟

این حساسیت بالای اجتماعی که در مفهوم «سیاست‌زدگی» وجود دارد، به‌دلیل نوعی از تجربه فرایندهای جاری است که مردم، به‌عنوان مثال مشاهده می‌کنند چطور تغییر یک مدیر، یک رئیس‌جمهور، تعویض این و آن چهره، یا برخی از قوانین تأثیرگذار هستند؛ اما مشکل این است که چنین تأثیرگذاری‌ای کاملا کوتاه‌مدت است و در فاصله‌ای کوتاه، غیرکارابودن خود را نشان می‌دهد و وضعیت به همان وضعیت پیشین برمی‌گردد و این مسئله بی‌اعتمادی به حوزه سیاسی را افزایش می‌دهد. مردم عادی در هیچ جامعه‌ای برای آن ساخته نشده‌اند که در بازی‌های سیاسی مشارکت کنند یا بازیچه گرفته شوند. مردم نیازهای اولیه و مهمی دارند؛ پیش از هرچیز نیاز به امنیت ، نیاز به مسکن، بهداشت، آموزش و فراغت و احترام‌داشتن و برخورداری از محیطی آرام و به دور از تنش‌های عصبی. مردم نیاز دارند چشم‌اندازی از آینده خود و فرزندان‌شان داشته باشند. نیاز به آن دارند ببینند گرچه آسیب‌ها در جامعه وجود دارند و زیاد هم هستند، اما دولت با سیاست‌گذاری‌های خود در حال بهترکردن وضعیت است و می‌توان پایانی برای مشکلات اجتماعی و اخلاقی در نظر گرفت. ناامیدی از آینده، بدترین دشمنی است که هر جامعه‌ای می‌تواند برای خود ایجاد کند باید با این امر مقابله کرد؛ اما با روش میدان‌دادن به مدیران و اندیشمندان توانایی که می‌توانند این مشکلات را از سر راه بردارند. هرکسی تصور می‌کند می‌توان در جامعه‌ای مثل ایران به‌گونه‌ای که در جوامع توسعه‌نیافته و کاملا نابرابری همچون روسیه، چین، کره شمالی، کشورهای عربی و ... ، برخورد می‌شود، رفتار کرد گرفتار اشتباه بزرگی است. توزیع توسعه و سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، هرچند ممکن است در حد آرمانی انجام نشده باشد، اما در ایران پراکندگی جغرافیایی بسیار بالایی دارد و در نتیجه این جامعه را باید با توجه به این عامل اساسی مدیریت کرد. باید مردم را جدی گرفت و با آنها درنهایت احترام و تکریم و مسئولیت سخن گفت. مردم را نباید از پیش گناهکار دانست و تصور کرد نمی‌توانند بفهمند یا احترام به باورها و شئون و عقاید یکدیگر را نمی‌فهمند؛ بلکه باید فرصت را برای همه فراهم کرد که شیوه‌های زندگی خود را بنابر قوانین و ضوابط انتخاب کنند؛ اما در این قوانین و ضوابط نیز باید به‌گونه‌ای عمل کرد که هیچ‌کس احساس نکند حق او را به کسی دیگر داده‌اند و نابرابری در حقوق وجود دارد.

مسئولان و مدیران ایرانی چقدر نسبت‌به حساسیت مردم وظیفه‌شناس هستند و احساس مسئولیت می‌کنند؟

مردم از دولت‌های مسئول، حقوق قانونی خود را می‌خواهند؛ حق امنیت داشتن، حق کارکردن، حق برخورداری از بهداشت و سلامت و آموزش و حمل‌ونقل مناسب. آنها نمی‌خواهند دولت میان‌شان پول پخش کند یا دائما مرخصی و روزهای تعطیل‌شان را زیاد کند و اگر اینها را پذیرا می‌شوند، دلیلش آن است که چاره‌ای جز این ندارند و طبیعتا چون چشم‌اندازی ندارند به هرچیزی راضی‌اند؛ پس دولتمردان بهتر است رفتارهایی را که اکثرا براساس واکنش و از سر ناچاری انجام می‌گیرد، به حساب باورها و رویکردهای واقعی مردم نگذارند و فکری جدی برای حل مشکلات آنها بکنند. این فکر هم روشن است: برنامه‌ای گسترده برای آزادسازی و بازکردن فضای فکری و مدنی جامعه از یک‌سو و مقابله با هرگونه بی‌نظمی، قانون‌شکنی، فساد و خودسری از سوی دیگر و درعین‌حال رسیدگی به تخلفات انجام‌شده و نشان‌دادن اینکه واقعا خاطیان مجازات می‌شوند و مثلا نمی‌توان هشت سال اموال عمومی و آبروی کشور را به باد داد، میلیارها دلار هزینه بر دوش ملت گذاشت، بسیاری از زیرساخت‌ها را نابود کرد و خم‌به‌ابرو نیاورد. به‌نظرم یکی از مفیدترین اقداماتی که این اواخر انجام شده است، دستگیری و محاکمه برخی مسئولان عالی‌رتبه پیشین بوده است؛ اگر این‌گونه رفتارهای قانونی به دقت و با وسواس انجام شود، می‌توانیم مطمئن باشیم جامعه به راه بهتری وارد خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۷

یادداشت

مفهوم کار در مدیریت شهری

لطیف روحانی

● در کشورهای مختلف و در تمدن‌های گذشته تنوع زیادی در پدیده کار و فرهنگ آن مشاهده می‌شود. در میان رومیان باستان، کار فقط کار یدی تعریف می‌شد و آن‌هم تنها برای بردگان مناسب بود. سپس در عصر فئودالی با تغییر در برداشت از مفهوم کار، انگیزه‌ها منوط به تعهد و سوگندی شد که نسبت به ارباب ارائه می‌شد، درواقع برای اولین‌بار نیروی کار با صاحب‌کار براساس یک ارزش تعریف شد. سپس در عصر بورژوازی و با جایگزینی تدریجی انرژی‌های دیگر به‌جای کار یدی انسان، در مفهوم کار تغییرات وسیعی پدید آمد. ابتدا با به‌وجودآمدن نوع بدوی اتوماسیون، کار اجتماعی به‌صورت بدوی پدید آمد و دولت تجلی‌گاه و مرکز نظم جامع نیروی کار شد، اما در عصر حاضر با توسعه تکنولوژی و تقابل تحول و نوآوری آن با ثبات و تمرکز شدید دولت نشان داد که نیروی کار نمی‌تواند به ساخت‌های بیش از اندازه متمرکز برای رشد خود اعتماد کند. زیرا عواملی نظیر انگیزه، تکنولوژی و توزیع نظم، همراه و همسو حرکت نمی‌کنند. آنچه در فرایند سنتی تعریف مفهوم کار به‌چشم می‌خورد این است که محاسبه ارزش اطلاعات متبلورشده در کار نادیده گرفته شده، زیرا کار را نیرویی می‌دانند که در یک دامنه تغییر عمل می‌کند.

در این رویکرد نمی‌توان ارزش اطلاعات متبلورشده را در تحول حاصل از کار و در خود کار به‌دست آورد. درحالی‌که از نگاه جدید، کار عبارت از انرژی هدف‌داری است که موجب تغییر از حالت A به B می‌شود که هر سیستم سه‌جزئی (جرم، انرژی و اطلاعات) از جمله سیستم مدیریت شهری برای مقابله هژمونی آنتروپی فزاینده درونی و خارجی خود به آن نیازمند است تا بتواند به بقا و تکامل خود ادامه دهد.

در این تعریف عامل اطلاعات به مفهوم جدید کار وارد شده است. به بیان دیگر یعنی شاخص تغییر مکان تابعی از تأثیر اطلاعات مصرف‌شده در جریان کار است. براساس این تعریف، به هر مقدار که انرژی اطلاعاتی به کمترین مقدار خود می‌رسد، مقدار انرژی فیزیکی به‌کارگرفته‌شده بیشتر می‌شود و در این شرایط هرچه بیشتر کار انجام دهیم، نتیجه معکوس می‌گیریم. چیزی که متأسفانه در طول تاریخ، تاریخ مدیریت شهری ما کم‌وبیش حاکم بوده است. درواقع مدیر شهری یا شهردار موفق کسی یا کسانی نیستند که ساعات بیشتری در دفتر کارشان حضور دارند و شب و روز نشناسند و کار فیزیکی و یدی بیشتری انجام می‌دهند زیرا مفهوم جدید کار در حوزه مدیریت شهری امروزی عبارت است از تعادل میان انرژی و اطلاعات، به تعبیری کار را می‌توان کاربرد اطلاعات در انرژی (هدف در انرژی) تعبیر کرد که در سه دسته کار سخت‌افزاری (با اطلاعات کم) کار سخت‌افزار - نرم‌افزاری (با اطلاعات متوسط) و کار نرم‌افزاری (با اطلاعات زیاد) متبلور می‌شوند. موضوع نوع اول کار، افزایش تولید و سود، موضوع کار از نوع دوم، فزونی نظم و قدرت و موضوع نوع سوم کار افزایش دانش و علم است که البته در حوزه مدیران شهری ما، بیشتر بر نوع اول کار تمرکز شده است و دو نوع دیگر کمتر موردنظر قرار می‌گیرد. فراموش نکنیم که، کار، سیاست و فرهنگ، همگی از یک مقوله هستند فقط اشکال آنها متفاوت است. زیرا کار، مکانیسمی از آرایش محدود انرژی و اطلاعات در محدوده‌ای خاص است که هدف محدود و مشخصی ندارد.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۳۰۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- جوانی- پوشیده‌بودن- سست و بی‌حال ۲- کوچک‌تر از دریا- ربه‌النوع ۳- اختلاط- گستاخ- از عناصر تشکیل‌دهنده هوا ۴- کم ارزش- دارای تصویر - شکوه و عظمت ۵- از تقسیمات کشوری- راه فرار- نگاه خیره ۶- کتف- دوربین فیلم‌برداری قابل حمل- پیشروان طریقت ۷- جان‌پناه سرباز- کیسه مشک در زیر شکم آهوی ختایی- شهری معروف در ترکمنستان ۸- جنگ و جدال- از نام‌های خداوند- نامی ماندگار در هنر خوشنویسی ۹- قصد و آهنگ- گازی قابل اشتعال- خواب کودکانه ۱۰- همنشین زن- به‌صورت بی ضابطه و نسنجیده- ضمیر خودخواه ۱۱- سرای محبت- محلی- تطبیق داده شده ۱۲- یار خوش زبان- چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم... مقصود- ذرات تشکیل‌دهنده مولکول ۱۳- برنا- روایت‌کننده- نوعی چاشنی خوراکی ۱۴- ماه دوم- توکسین ۱۵- آشفته و پریشان- درشت هیکل- آرایش صورت بازیگران.

عمودی:

۱- بهشت ارم را بنا نهاد- اولین فیلم ناطق سینمای جهان ۲- مجموعه جزایری در شمال اقیانوس اطلس- نام کوچک کاسترو- پشت‌سر ۳- چهره‌نما- ریشه در آداب و رسوم قدیم دارد- چهار چوب دور تابلو ۴- دوباره- کوهی در جنوب تبریز- بنا شده ۵- بخیل- خواهش‌های نفسانی- مخترع تلفن ۶- سودای ناله- کالاهایی که به کشور دیگر فرستاده می‌شود- واضح و آشکار ۷- آغشته به خون- ورزش یخ و چمن- شدیدترین ۸- لاستیک رویی چرخ خودرو- معاصر- از برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات آلمان که شیفته شعر حافظ بود ۹- نوعی پوست دباغی‌شده- گاه از روزگار بعضی‌ها در می‌آورند!- از برادران حضرت یوسف (ع) ۱۰- شکوفه‌ها- رقیب بستنی- طلا ۱۱- ناپسند- نام سابق میانمار- شرح کتاب اوستا ۱۲- زیرک- نماهنگ- واحد فرعی کار و انرژی ۱۳- برگه کوچک مقوایی- دیکته- اتاق بزرگ برگزاری میهمانی ۱۴- فام- سوغات کرمان- لامپ فلورسنت ۱۵- کنایه از تحمل‌کردن غم و رنج بسیار است - ضماد.

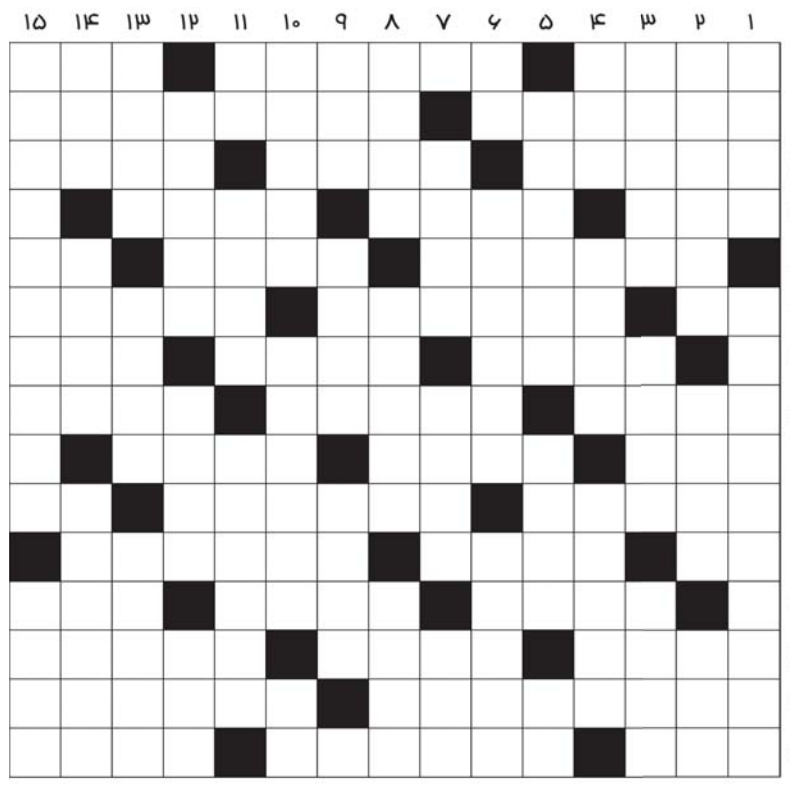

حل سودوکو سخت

۷	۹	۴	۳	۲	۸	۵	۱	۶
۲	۵	۳	۶	۴	۱	۹	۷	۸
۶	۸	۱	۵	۷	۹	۳	۴	۲
۳	۲	۷	۸	۱	۶	۴	۹	۵
۹	۱	۵	۲	۳	۴	۶	۸	۷
۸	۴	۶	۷	۹	۵	۱	۲	۳
۵	۳	۹	۱	۸	۲	۷	۶	۴
۱	۷	۲	۴	۶	۳	۸	۵	۹
۴	۶	۸	۹	۵	۷	۲	۳	۱

حل سودوکو ۱۲۹۷

۲	۶	۵	۸	۷	۱	۳	۹	۴
۸	۱	۹	۴	۲	۳	۵	۶	۷
۳	۷	۴	۶	۵	۹	۱	۸	۲
۴	۹	۷	۵	۱	۲	۸	۳	۶
۱	۵	۸	۳	۴	۶	۷	۲	۹
۶	۳	۲	۷	۹	۸	۴	۱	۵
۹	۴	۱	۲	۸	۷	۶	۵	۳
۵	۲	۶	۱	۳	۴	۹	۷	۸
۷	۸	۳	۹	۶	۵	۲	۴	۱

جدول ۲۳۰۰

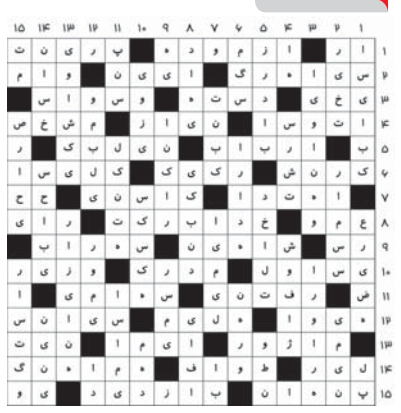

سودوکو سخت ۱۲۹۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۷	۵			۲				۸
			۴				۵	۳
	۱					۲	۶	۹
	۳			۴			۹	۱
		۵			۹		۷	
	۴			۱	۵			
				۸				۲
	۹				۶		۴	
۲	۷		۳			۶		

سودوکو ۱۲۹۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸		۷	۹	۲			۴	
			۸	۳		۹		۷
۲		۶		۷	۱		۵	
	۶	۱	۲		۷			۵
	۸	۹	۱		۴		۷	
	۲	۵	۳					۴
۹				۱			۶	
۵		۲			۳		۱	۸
۶		۸		۴		۵		